

کارکرد ضرب‌المثل‌های تالشی (گوش میناآبادی استان اردبیل) در ابعاد زندگی مردمان روستای میناآباد

(صفحات ۸۹ تا ۱۰۸)

DOR:20.1001.1.17358663.1401.17.53.2.1

نوع مقاله: پژوهشی

ملاحظه شعبانی میناآباد^۱

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی کارکرد ضرب‌المثل‌های زبان تالشی (گوش میناآبادی استان اردبیل) در ابعاد زندگی مردمان روستای میناآباد بخش عنبران استان اردبیل است. از آنجاکه ضرب‌المثل‌های تالشی بر جنبه‌های مختلف از زندگی تالش زبانان تأثیر دارد و از سوی دیگر، تحقیقات اندکی در مورد کارکرد ضرب‌المثل تالشی میناآبادی صورت گرفته است، لذا ضروری است تا به بررسی کارکرد ضرب‌المثل‌های تالشی گوش میناآبادی استان اردبیل، در ابعاد زندگی مردمان روستای میناآباد به صورت روش گردند تئوری (GT) پرداخته شود. برای رسیدن به این هدف با چندین متخصص در حوزه ضرب‌المثل‌ها، مصاحبه‌های ساختارمندی انجام شد و پایان‌نامه‌های بومی‌های حیطه مورد نظر بررسی و داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه و مشاهده جمع‌آوری و مقلوبه‌بندی شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ضرب‌المثل تالشی میناآبادی به عنوان وسیله‌ای برای مواردی همچون: ۱- آموزش دانش زبانی؛ ۲- آموزش عملکردی برای صحبت کردن؛ ۳- القای ارزشمندی خرد و اخلاق؛ ۴- کنترل رفتار برای انطباق با هنجارهای مورد توافق و ۵- دارای کارکرد اخلاقی، فلسفی و انگیزشی بوده اند؛ لذا این مطالعه تأیید می‌کند که ضرب‌المثل‌ها به دلیل داشتن دانش زبانی و ارزش‌های فرهنگی مثبت، رسانه آموزشی، اخلاقی و فلسفی و انگیزشی خوبی هستند، به طوری که باید توسط جوامع حامی آن‌ها حفظ و نگهداری شوند و به ویژه، نقش دولت در حمایت از حفظ این ضرب‌المثل‌ها بسیار مهم است.

واژگان کلیدی: ضرب‌المثل، تالش، ابعاد زندگی، گوش محلی، میناآباد.

irm.shabani@pnu.ac.ir

۱. استادیار زبان‌شناسی و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۱- بیان مسئله

ضرب‌المثل‌ها گونه‌ای از بیان است که معمولاً تاریخچه و داستانی پندآموز در پس بعضی از آن‌ها نهفته است. شکل درست نوشتاری این واژه در زبان عربی «مَثَل» و در زبان فارسی «متل» است.

سنت‌های گفتگوهای شفاهی یا دهانی یکی از ابزارهای اولیه ارتباطات بین جوامع و فرهنگ می‌باشد (رحمان، ۲۰۱۷: ۲۰). برای شناخت یک ملت می‌توان ادبیات شفاهی آنان را مطالعه کرد. ادبیات شفاهی مردم بیشتر در ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها نمود پیدا می‌کند که در واقع، بیانگر نوع نگرش آن‌ها نسبت به نظام خلقت و طبیعت، روابط اجتماعی، معیشت و همزیستی با نزدیکان است (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۲۹). ضرب‌المثل‌ها نشانگر رفتارهای بهنجار، نابهنجار، ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اجتماعی‌اند که مردم آن‌ها را پذیرفته یا رد کرده‌اند. بر این اساس، ضرب‌المثل‌ها پیش از ادب مکتوب (شعر و نثر) نشان دهنده اندیشه‌های اجتماع هستند. مثل‌ها به دلیل ویژگی‌های ذاتی چون ایجاز، آهنگ، زمینه استعاری، رسایی، فصاحت و گیرایی، رواج و جنبه‌های بالای اندرزی، از جمله اقسام بیست و چهارگانه ادبی محسوب می‌شوند که از سویی، موجب غنی‌سازی شعر شاعران نیز می‌شوند. بازتاب گسترده ارسال مثل در شعر شاعران مبین این موضوع است (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۱۲۰). ضرب‌المثل‌ها دارای کارکردهای گوناگونی می‌باشند یکی از فواید واژگانی ضرب‌المثل‌ها آن است که به دلیل ماندگاری شکل نحوی و صرفی آن‌ها، بسیاری از واژگان و بافت‌های زبانی را حفظ می‌کند؛ از این حیث، مثل‌ها در گویش‌شناسی و زبان‌شناسی تاریخی، به پژوهشگران کمک زیادی می‌کنند و از سوی دیگر ضرب‌المثل‌ها دارای کارکرد آموزشی و انتقال تجربیات گذشتگان و تجربه‌گرایی جانشینی می‌شود.

ضرب‌المثل‌های تالشی یکی از سنت‌های گفتگوی شفاهی زبان مورد استفاده مردمان غرب استان گیلان و بخش‌هایی از شهرستان نمین و عنبران است. بر اساس گزارش‌های یونسکو زبان تالشی یکی از زبان‌های در معرض آسیب‌پذیری می‌باشد. طبق اذعان محققان، زبان تالشی یکی از زبان‌های کهن ایرانی مورد استفاده در شمال غرب ایران است (شیخ‌سنگ، ۱۳۹۶: ۱۰۴) که برخی آن را شاخه‌ای از زبان آذربایجانی و برخی آن را ریشه گرفته از زبان ماد باستان می‌دانند. بررسی و تحقیق در مورد ضرب‌المثل‌ها از

اهمیت زیادی برخوردار است، به گونه‌ای که گفته می‌شود ضرب‌المثل‌ها عبارت‌هایی هستند که در قالب کلمات و جملات ساخته شده‌اند که معمولاً دارای اهداف و دارای محتوای قوانین رفتاری، اصول زندگی و نصیحت‌ها می‌باشند (KBBI, 2005: 21). هر ضرب‌المثل ریشه در واقعیات تاریخی آن ملت دارد که در لفافه و ابهام بیان می‌شود. ضرب‌المثل‌های گویش تالشی نیز از گذشته‌های نسبتاً دور، سینه‌به‌سینه حفظ و منتقل شده و بی‌آن که نشانه‌ای از خاستگاه اصلی و تاریخ خود آشکار نماید، نمایانگر اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای بهنجار گویش‌وران آن سرزمین است (شیخ سنگ، پیشین). به عقیده مانسیور^۱ (۲۰۲۰) ضرب‌المثل‌ها دو نقش اساسی دارند: ۱- مانند یک رسانه، ابزاری برای توصیف انواع واقعیت‌های موجود در جامعه می‌باشند؛ ۲- به‌عنوان یک راهنما، یک منبع ارزشمند می‌باشند. ضرب‌المثل‌ها را همچنین، به انواعی شامل: ضرب‌المثل‌های حقوقی، ضرب‌المثل‌های اخلاقی، ضرب‌المثل‌های فلسفی و ضرب‌المثل‌های مذهبی دسته‌بندی کرده‌اند. آروا و همکاران (۱۹۶۴) ضرب‌المثل‌ها را وسیله‌ای برای آموزش، به‌خصوص آموزش کودکان جهت حفظ روابط با دیگران، والدین و خواهران و برادران عنوان کرده است. از سوی دیگر، ضرب‌المثل‌ها را به مثابه رسانه آموزشی در نظر می‌گیرند؛ بنابراین، روی کارکرد رسانه‌ای و آموزشی ضرب‌المثل‌ها تأکید دارند. از دیدگاه زبان‌شناسی انسانی، کارکرد آموزشی ضرب‌المثل‌ها بسیار زیاد مورد توجه قرار گرفته است. استفاده از دیدگاه زبان‌شناسی انسانی این مزیت را دارد که محقق در بطن جامعه قرار گرفته و به صورت مستقیم از زبان مورد نظر اطلاعات جمع‌آوری می‌کند و سعی دارد تا به درکی از رابطه زبان و فرهنگ برسد (دنسید^۲، ۱۲:۲۰۰۴). فولی (۲۰۲۰) در بعد آموزشی بیان می‌کند که زبان‌شناسی انسانی سعی دارد تا معانی پنهان و در پس پرده زبان را شناسایی کرده و کارکرد ضرب‌المثل‌ها را جهت درک نقش آموزشی و رسانه‌ای آن، مورد بررسی قرار دهد. از دیدگاه زبان‌شناسی انسانی، ضرب‌المثل‌ها به مانند رسانه‌ها، ابزاری جهت انتقال پیام و آموزش افراد هستند، به گونه‌ای که فرآیند آموزش در تعاریف، به فرآیند یاد دادن و تعلیم و تربیت اطلاق می‌شود. در واقع، ضرب‌المثل‌ها مانند لوحی محفوظ و شکل‌گرفته از گذشتگان هستند که

1 -Mansyur

2 -Daneside

کارکرد ضرب المثل‌های تالشی (گوش میناآبادی استان اردبیل).....

سعی در آموزش افراد بر اساس تجربیات گذشتگان دارند، به گونه‌ای که افراد بدون حضور در موقعیت و تجربه آن موقعیت، نحوه پاسخ به موقعیت‌ها را می‌آموزند؛ به عبارتی دیگر، ضرب‌المثل‌ها مانند یک لوح و یا تصویری ضبط‌شده از گذشته است که از اجدادمان به دست ما رسیده و در این لوح و رسانه، آموزش‌هایی بر اساس تجربه نیاکان ما نگارش و ضبط شده است. با توجه به توضیحات بالا، هدف این تحقیق، بررسی کارکرد ضرب‌المثل‌ها به مثابه یک رسانه یا ابزار رسانه آموزشی در فرهنگ و اجتماع مادران تالش زبان روستای میناآباد (یکی از گوش‌های تالش شمالی) می‌باشد.

۲- ادبیات پژوهش

در این بخش تحقیق، با بررسی نظریات تجربی و پیشینه تحقیقات مرتبط با موضوع مورد مطالعه، سعی می‌شود تا چهارچوب منطقی برای انجام این تحقیق ارائه شود و مطالعات مرتبط با ضرب‌المثل‌های آموزشی و نقش رسانه‌ای این ضرب‌المثل‌ها بازبینی و مرور گردد.

۱-۲. ادبیات تجربی

گوش تالش در بخش غربی گیلان، در شهرهای شاندرمن، ماسال، رضوان‌شهر، شفت، فومن، صومعه‌سرا و تالش و همچنین، بخش‌هایی از اردبیل مانند عنبران زبان غالب و زبان گغت و گوی این شهرها می‌باشد. این گوش از شاخه غربی زبان‌های ایرانی جدید است. تالشی تلفظ فارسی «طیلسان» (Tilasan) است. طیلسان کلمه‌ای عربی و به معنی ردا و روپوش بلند پشمی است که از قرن اول تاریخ اسلام برای قومی به کار می‌رفته که پیش از آن «کادوس» یا «کادوسی» نامیده می‌شدند، سپس از زمان سلطه مغول بر ایران، طیلسان منسوخ و لفظ فارسی آن یعنی «طالشان» یا «تالشان» متداول گردید (عبدلی، ۱۹:۱۳۶۹). صاحب‌نظران برجسته زبان‌های ایرانی در مورد گوش تالشی نظریه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند. برخی از نظریه‌پردازان گوش تالشی را یک زبان از زبان‌های ایران شمال غربی به شمار می‌آورند و برخی دیگر، گوش تالشی را از گوش آذری می‌دانند. آنان همچنین گوش‌های آذربایجانی را به شش دسته تقسیم می‌کنند که در میان آن‌ها گوش عنبرانی نیز مشاهده می‌شود. البته قراین و تحقیقات نشان می‌دهد که گوش تالشی بخشی از زبان ماد باستان می‌باشد (خان‌بازاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۶). از

ویژگی‌های ذاتی زبان می‌توان به پویایی آن اشاره کرد که این مشخصه با قرار گرفتن در بستر جامعه و گروه‌های اجتماعی مختلف از لحاظ جنسیتی، طبقه اجتماعی، تحصیلی، گروه‌های سنی و غیره، جنبه‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. منطقه میناآباد به منزله منطقه‌ای مرزی بین دو کشور ایران و آذربایجان، واقع در شهرستان نمین استان اردبیل، جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات زبان‌شناختی دارد، زیرا نتایج آن بیانگر تشابهات و اختلافات زبانی مردم ساکن در مناطق مرزی دو کشور است که به شناخت بیشتر روند تغییرات زبانی مورد نظر منجر می‌شود. با توجه به نیاز ضروری گونه تالشی و ارزش و اهمیت بررسی‌های زبانی و گویشی، بررسی زبان «تالشی» میناآباد می‌تواند در جهت تحقق اهداف بلند گویش‌شناسی و زبان‌شناسی گامی کوچک بردارد و در حفظ این بخش از میراث بزرگ فرهنگی و فکری سرزمین کهن ایران اثرگذار باشد. زبان تالشی از زبان‌های ایرانی گروه شمال غربی است که هم‌اکنون در حاشیه جنوب غربی دریای خزر، در استان اردبیل و کشور جمهوری آذربایجان به آن تکلم می‌شود. مجموعه گونه‌های متعدد و متنوع این زبان در سه گروه مشخص، یعنی تالش شمالی، تالش مرکزی و تالش جنوبی قابل طبقه‌بندی است. این زبان ویژگی‌های منحصر به فرد آوایی، واژگانی، ساخت‌وازی و نحوی دارد که با آنچه در زبان فارسی معیار مشاهده می‌شود، تا حدی تفاوت دارد. با وجود این که تاکنون بررسی‌هایی در این زمینه‌ها صورت گرفته است، اما بُعد اجتماعی و تأثیر جنسیت در ضرب‌المثل‌های زبان تالشی میناآبادی استان اردبیل در اثری مشاهده نشده است. ادب و خشونت کلامی در ضرب‌المثل‌های زبان تالشی میناآبادی استان اردبیل سعی دارد فرضیه‌های مطرح شده را تجزیه و تحلیل کند (شعبانی، ۱۳۹۹: ۱۳۰).

هر یک از ضرب‌المثل‌ها ریشه در حقایق تاریخی آن ملل دارد که در ایهام و لفافه بیان می‌شود و اصالت، ریشه و تاریخی بودن آن گویش و زبان را بیان می‌کند. بسیاری از گویش‌ها دارای زبان ادبی و مکتوب نیستند؛ در نتیجه، لغات اصیل و دیگر ویژگی‌های زبانی‌شان در معرض انقراض و وابسته به رشته نازک گفتار است. در چنین شرایطی، برخی از امکانات و مقوله‌های فرهنگی مانند اشعار عامیانه، اسطوره‌ها، چیستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها به تنها تکیه‌گاه زبانی آن گویش تبدیل شده و واژه‌ها و اصطلاحات آسیب‌پذیر در قالب ضرب‌المثل و اشعار عامیانه، حفظ می‌شوند. ضرب‌المثل‌های گویش تالشی نیز از گذشته‌های نسبتاً دور سینه‌به‌سینه حفظ و منتقل شده و بی‌آن که نشانه‌ای از

کارکرد ضرب المثل‌های تالشی (گوش میناآبادی استان اردبیل).....

خاستگاه اصلی و تاریخ خود را آشکار نماید، نمایانگر اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای بهنجار گویشوران آن سرزمین است (شیخ سنگ، پیشین: ۱۰۶).
در قلمرو زندگی انسان آثار ادبی به‌عنوان تبلور اندیشه‌های فردی و اجتماعی در اعتلای فرهنگی و اجتماعی جامعه تأثیر بسزایی دارند. ادبیات در انجام رسالت خود در قلمرو دانش‌های گوناگون گنجینه ارزشمندی از رویدادها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی و تحولات اجتماعی جامعه محسوب می‌شود. پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی خط سیر آن و تأثیرش در تحولات اجتماعی، در قالب رمان، تاریخ، فلسفه، تئاتر، نمایش و تمثیل و بالاخره شعر و نثر مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و در این راستا جامعه‌شناسی ادبیات به‌عنوان دانشی اجتماعی، عملکرد واقعی خود را نشان می‌دهد (صراطی، ۱۳۸۸).

۲-۲. ادبیات نظری

مقاله پیش رو بر اساس چهارچوب نظری مانسیور و سوه‌رمان (۲۰۲۰) در مورد کارکرد ضرب المثل‌ها به مثابه رسانه‌های آموزشی به دنبال درک نقش آموزشی و رسانه‌ای ضرب المثل تالشی می‌باشد. باید خاطر نشان کرد که در داخل ایران هیچ‌گونه تحقیقی در مورد نقش آموزشی ضرب المثل‌ها و کاربرد ابزاری و رسانه‌ای ضرب المثل‌ها به‌خصوص ضرب المثل تالشی انجام نشده است. به عقیده مانسیور و سوه‌رمان ضرب المثل‌ها دارای کاربرد ابزاری همچون آموزش دانش زبانی، تمرین عملکردی افراد جوان در سخن گفتن، آموزش خرد و... را دارند (مانسیور و سوه‌رمان، ۲۰۲۰: ۲۷۵).

برگسما (۱۹۷۰) طی بررسی خود مشخص کرد که ضرب المثل‌ها می‌توانند به‌عنوان ابزار کنترل اجتماعی استفاده شوند؛ در این موارد، برای این که بزرگ‌ترها جوان‌ها را متقاعد کنند، از ضرب المثل‌ها استفاده می‌کنند، لذا ضرب المثل‌ها بدون این که زوری به کار روند، می‌توانند در کنترل اجتماعی هر جامعه‌ای استفاده شوند.

در تحقیقی که توسط شعبانی میناآباد (۱۳۹۹) تحت عنوان «رابطه بین جنسیت و وجود انواع ادب و خشونت کلامی در ضرب المثل‌های زبان تالشی» (گوش میناآبادی استان اردبیل) انجام شد، مشخص شد که بین جنسیت گویشوران و وجود انواع ادب و خشونت در ضرب المثل‌های زبان تالشی ارتباط وجود دارد که با توجه به انتظارات جامعه، این امر سبب بروز تفاوت در رفتار اجتماعی آن‌ها نیز شده است.

بررسی‌های ابراهیمی و شونده (۱۳۹۹) نشان داد که ضرب‌المثل‌ها ظرفیت بسیار مناسبی در آموزش مفاهیم مختلف اخلاقی، مهارت هنری و دانش سازمان‌یافته و... دارند و ضمن کمک به آموزش موقعیت‌های ناآشنا، می‌توانند در آموزش بانشاط و شاد و همچنین تقویت تفکر انتقادی نقش مؤثری داشته باشند؛ در نتیجه، معانی آشکار و ضمنی ضرب‌المثل‌ها و جنبه‌های صوری آن باعث توسعه ادراک هنری و میراث فرهنگی دانش‌آموزان می‌شود.

طی بررسی‌های شیخ سنگ (۱۳۹۶) تحت عنوان «بررسی طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های گویش تالشی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی» به این نتیجه رسیده است که طرح‌واره حجمی بیشترین درصد را در ضرب‌المثل‌های تالشی داشته است. روشن، یوسفی راد و شعبان‌یان (۱۳۹۲) در مقاله «مبنای طرح‌واره‌های استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان» به بررسی انواع طرح‌واره‌ها بر اساس انگاره ایوانز و گرین (۲۰۰۶) در ضرب‌المثل‌های گیلکی پرداخته‌اند. در پژوهش آن‌ها طرح‌واره‌های فضا، مهارشدگی (حجمی)، جابه‌جایی (حرکت)، توازن و نیرو (قدرتی) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داده است که درصد فراوانی طرح‌واره حجمی نسبت به دیگر طرح‌واره‌ها بیشتر بوده است.

۳- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر بر اساس سوال تحقیقی به صورت زمینه‌ای کیفی انجام شده است. امروزه روش‌های کیفی جایگاه خود را در تحقیقات اجتماعی بازیافته‌اند. یکی از روش‌های موفق کیفی، نظریه زمینه‌ای^۱ (GT) است که آنسلم استراوس و بارنی گلیسر به‌عنوان پایه‌گذاران آن شناخته می‌شوند. منظور ما از استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، در واقع فرآیندی است که نظریه زمینه‌ای برای تولید نظریه به کار می‌برد. در این تحقیق نیز از این فرآیند استفاده شده است. مراحل نظریه زمینه‌ای به صورت زیر است: گردآوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها و ساخت تئوری از داده‌ها (معدنی و عابدینی، ۱۳۹۴: ۵۷).
گراند تئوری یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به تئوری‌های موجود، خود

1 - Ground Theory

کارکرد ضرب المثل‌های تالشی (گوش میناآبادی استان اردبیل).....

به تدوین تئوری اقدام کنند. این تئوری به شکل نظام‌مند و بر اساس داده‌های واقعی تدوین می‌شود. این روش در مواردی کاربرد دارد که دانش ما در آن زمینه‌ها محدود است.

گلزر و استراوس در سال ۱۹۶۷ برای اولین بار این راهبرد اجرایی پژوهش کیفی را در کتاب خود مطرح کردند: موضوع اصلی کتاب ما، کشف تئوری بر اساس گردآوری نظام‌مند داده در پژوهش‌های علوم اجتماعی است. هر فصل این کتاب بر مراحل می‌پردازد که ما در فرآیند تولید تئوری پشت سر گذاشته‌ایم. انگیزه اصلی از معرفی این تئوری رسیدن به مرحله‌ای از شناخت در مورد موضوع مورد مطالعه است که ما را قادر می‌سازد نظریه‌ای را که ساخته‌ایم بر اساس داده‌های واقعی استحکام بخشیم.

استراوس و کوربین در سال ۱۹۹۴ در یک تعریف مشابه، گراند تئوری را این‌گونه تبیین کرده‌اند: گراند تئوری (نظریه زمینه‌ای) یک روش پژوهش عمومی برای تولید تئوری است. منظور از نظریه زمینه‌ای، نظریه برگرفته از داده‌هایی است که طی فرآیند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استخراج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به جای این که مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزه مطالعاتی خاص شروع کرده، اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود. نظریه برگرفته از داده‌ها نسبت به نظریه‌ای که حاصل جمع آمدن یک سلسله مفاهیم بر اساس تجربه یا تأملات صرف است، با احتمال بیشتری می‌تواند نمایانگر واقعیت باشد و از آن جا که نظریه‌های زمینه‌ای از داده‌ها استخراج می‌شوند، می‌توانند با ایجاد بصیرت و ادراک عمیق‌تر، رهنمود مطمئنی برای عمل باشند.

تعریف منصوریان از گراند تئوری در سال ۱۳۸۶ به شرح زیر است: گراند تئوری در ساده‌ترین شکل ممکن عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده و تحلیل استقرایی داده‌ها، برای پاسخگویی به پرسش‌های نوین آن دسته از پژوهش‌های کیفی که فاقد مبانی نظری کافی در زمینه موضوع مورد مطالعه هستند.

پاول می‌گوید: نظریه زمینه‌ای، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به جای استخراج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود،

به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. زمانی که گردآوری و تحلیل داده‌ها متوقف شد، نظریه حاصل، درک عمیقی در ارتباط با موجودیت‌های مورد مطالعه فراهم می‌کند. این کار، نظریه را به‌عنوان یک فرآیند، مورد تأکید قرار می‌دهد، یعنی به جای یک فرآورده تکمیل‌شده، آن را موجودیتی پیوسته در حال تکوین تلقی می‌کند. قابلیت تعمیم در این جا عامل مؤثری نیست، زیرا هدف، درک پدیده است نه کنترل آن و منظور ادراک شرایط در یک محیط خاص و به همان شکل موجود است، نه پیش‌بینی آنچه ممکن است در محیط‌های مشابه اتفاق بیفتد و تحقیق بر آن است که چرایی رفتارهای افراد را درک کند.

ویژگی نظریه‌هایی که از طریق گراند تئوری تولید می‌شوند، شامل موارد زیر است: ۱- پژوهشگر را قادر به توضیح و تشریح موضوع مورد مطالعه سازد و امکان پیشگویی در مورد رخدادهای ممکن در زمینه تحقیق را فراهم سازد.

۲- در پیشرفت مبانی نظری موضوع مورد مطالعه مؤثر باشد و در آن مشارکت کند.

۳- علاوه بر مبانی نظری، در زمینه‌های علمی موضوع مورد مطالعه نیز کاربرد داشته باشد.

۴- رویکرد تازه‌ای برای نگرش به موضوع مورد مطالعه فراهم آورده، پژوهشگر را به مرحله‌ای از شناخت نسبت به داده برساند که بتواند به داده گردآوری‌شده معنا و مفهوم ببخشد.

۵- پژوهش‌های آتی در زمینه مورد نظر شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه زمینه‌ای با دیگر روش‌های مطالعاتی که با راهبرد نظریه زمینه‌ای انجام می‌گیرند، با سایر راهبردهای پژوهش کیفی، از برخی جنبه‌ها دارای مشابهت یا تفاوت هستند.

مراحل انجام تحقیق، مبتنی بر جمع‌آوری داده‌ها، یادداشت‌برداری، کدگذاری، یادداشت‌ها، دسته‌بندی کردن، نوشتن و تشریح است. در این پژوهش برای شناسایی ضرب‌المثل‌ها از روش کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی استفاده شده است؛ لذا جهت جمع‌آوری داده‌ها از روستای میناآباد در بخش تحقیق میدانی از تکنیک‌های مشاهده مشارکتی و مصاحبه استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه و مشاهده، از رویکرد استراوس و کوربین استفاده شده است. این روش در سال ۱۹۶۷ توسط گلاسر و استراوس ابداع شده که ماهیت آن بررسی استقرایی داده‌ها و یافته‌های متنی است. بعد از گردآوری اطلاعات متنی، داده‌ها بر اساس کدگذاری، طبقه‌بندی و منظم شده‌اند. کدگذاری داده‌ها دارای سه مرحله است که عبارت‌اند از: ۱- کدگذاری باز؛ ۲- کدگذاری محوری و ۳- کدگذاری گزینشی (فلیک، ۱۳۹۱: ۲۲۹-۲۳۰).

۱- کدگذاری باز: در فرآیند کدگذاری باز از روش مقایسه‌های ثابت استفاده می‌شود، زیرا کدگذاری باز قصد دارد داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم و مقوله‌ها درآورد. در این مرحله، ابتدا تمامی اطلاعات به صورت سطر به سطر، پاراگراف به پاراگراف یا به صورت یک صفحه جداگانه، کدگذاری و به هر یک از سطرها یا جمله‌ها یک مفهوم یا کد الصاق می‌شود. سپس مفاهیم مشابه و متداخل را در قالب یک مقوله واحد قرار می‌دهد؛ بنابراین، انبوه داده‌ها (مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابد.

۲- کدگذاری محوری: در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌ها با هم مقایسه شده و به سه دسته مقوله‌های شریطی یا بستری، تعاملی یا فرآیندی و پیامدی تقسیم می‌شوند. در این مرحله توضیح و بیان منطقی مقوله‌ها از طریق خط داستان صورت می‌گیرد تا نظریه ظهور یابد.

۳- کدگذاری گزینشی: در مرحله کدگذاری گزینشی، نظریه تقریباً به استحکام دست می‌یابد. محقق با تعداد اندکی از مقوله‌های استخراج شده و انتزاعی به ساختن نظریه اقدام می‌کند. در تحقیق حاضر، محقق مقوله هسته را انتخاب کرده است. هدف پژوهشگر در این بخش از تحقیق، برای به دست آوردن کدهای مورد نظر (ضرب‌المثل‌های آموزشی، اخلاقی، انسان‌شناسی و انگیزشی) با استفاده از نظریه زمینه‌ای (GT) از روش تجزیه و تحلیل رویکرد استراوس و کوربین استفاده و بعد از به دست آمدن ضرب‌المثل‌ها و کدها در بخش کیفی، به طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌ها اقدام شده است.

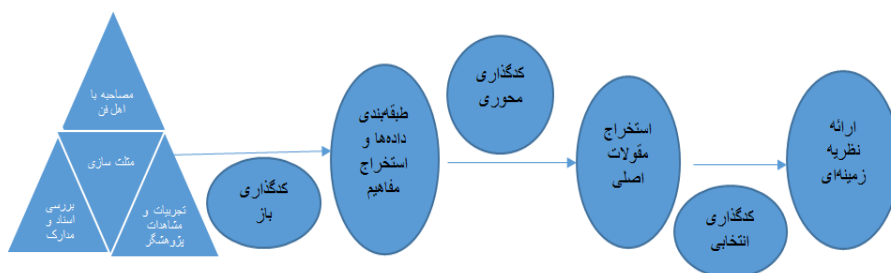
ابزار پژوهش

۱- مصاحبه نیمه ساختاریافته

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری داده‌ها و به‌منظور به دست آوردن ضرب‌المثل‌ها، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. این نوع مصاحبه در عین تمرکز بر موضوع پژوهش، با دارا بودن انعطاف‌پذیری لازم، به مصاحبه‌شوندگان این امکان را می‌دهد که به جنبه‌هایی از موضوع بپردازند که از دیدگاه آن‌ها دارای اهمیت است (حریری، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، در این پژوهش مصاحبه‌ها با کسب اجازه مادران ضبط و سپس روی کاغذ آورده شد تا برای تحلیل و کدگذاری آماده شود. در مصاحبه نیمه ساختاریافته پرسش‌ها در یک راهنمای مصاحبه، با تمرکز بر روی مسائل یا حوزه‌های مرتبط، مسیرهایی که باید پیگیری شوند، گنجانیده می‌شوند. توالی پرسش‌ها برای همه شرکت‌کننده‌ها مثل هم نیست و به فرآیند مصاحبه و پاسخ‌های فرد بستگی دارد، ولی راهنمای مصاحبه به پژوهشگر این اطمینان را می‌دهد که انواع مشابهی از داده‌ها را از همه داده‌ها گردآوری کند (هومن، ۱۳۹۳). این نوع شود.

۲- مشاهده مشارکتی^۱

در روش مشاهده مشارکتی، به این دلیل که پژوهشگر عضو این گروه (میناآباد) بود، هم خود در میان حجم نمونه مورد نظر قرار گرفته و هم تعاملات مستقیم افراد را ثبت و ضبط و جهت کدگذاری، یادداشت برداری کرده است.



نمودار ۱- مراحل تحقیق جهت جمع‌آوری کدها و مقوله‌ها

1-participant observation

۴- تحلیل تجربی

یافته‌های تحقیق

۱-۴- مقوله‌ها

در این مرحله که به صورت پیوسته اجرا می‌شود، ضرب‌المثل‌ها و متون ادبی و ایات زبان تالشی جمع‌آوری و به صورت خط به خط تحلیل و کدگذاری شده‌اند. ابتدا در قالب مرحله نخست، یعنی کدگذاری باز، به هر ضرب‌المثل و مفهوم موجود یک عنوان یا برچسب داده شد و بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد هر مفهوم، کدهای زیاد خام نمایان شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری، هر تعداد از کدهایی که به لحاظ ویژگی و مفهوم مرتبط بودند، در یک محور سازمان‌دهی شدند. به این صورت، در این مرحله به مرتبط کردن و دسته‌بندی آن‌ها حول محور موضوعات اصلی پرداخته شد که ۲۵ مقوله به دست آمد. در مرحله آخر، یعنی کدگذاری انتخابی، به وسیله پالایش و یکپارچه کردن داده‌ها جهت پدیدار شدن مقوله‌های اصلی هدف‌گذاری شد. بر اساس نظر استراوس و کوربین (۲۰۱۵) سعی شد مقوله‌های اصلی استخراج شود. در این پژوهش ۲۵ مقوله فرعی (ضرب‌المثل) به ۱۵ مقوله اصلی تقلیل یافت که در جدول ۱ توضیح داده شده است.

جدول ۱- خلاصه تعاریف کارکردهای ضرب‌المثل‌ها

کارکرد	تعاریف
آموزشی	آموزش به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با هدف آسان ساختن یادگیری، از سوی آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت یک کنش متقابل جریان می‌یابد. در این نوع ضرب‌المثل‌ها، هدف آسان ساختن یادگیری و انتقال تجربه‌ها و یاد گرفته‌های نسل‌های ماقبل به نسل‌های حاضر می‌باشد.
اخلاقی	در این نوع ضرب‌المثل‌ها، هدف ضرب‌المثل انتقال فضیلت‌ها و نهی از رذیلت‌ها با استفاده از تجربیات نسل‌های گذشته می‌باشد.
انسان‌شناسی	ضرب‌المثل‌هایی که هدف آن توجه به جوهر و ماهیت انسان می‌باشد، در این طبقه قرار می‌گیرند.
انگیزشی	این گونه ضرب‌المثل‌ها بر اساس تجربه نسل‌های قبلی، در انگیزش و ایجاد شوق و تحرک در نسل‌های فعلی و آینده سعی دارند.

جدول ۲- نمونه‌ای از ضرب‌المثل‌ها بر اساس کارکردهای آن‌ها

کارکرد	ضرب‌المثل
آموزشی (سبک استعاری)	سپیی دیوو هار رانگی بگات (دیوار سفید هر رنگی را می‌پذیرد) اشاره به لوح سفید دارد که ذهن کودک مانند لوح سفیدی است که هر چیزی می‌توانی در آن نگارش کنی.

اخلاقی (سبک استعاری)	دروژ دو سو کام بَب: درخت بلند سایه‌اش کم است (کنایه از به درد نخوردن آدم‌هایی است که زیاد ادعا دارند).
آموزشی (سبک استعاری)	وا وو ریزون گینو بَبین: برف بارید، رد پاها گم می‌شود (با گذر زمان مسائل فراموش می‌شود).
اخلاقی (سبک استعاری)	دو میو و ببو س ساروی بگات: هرچقدر میوه درخت زیاد باشد، سرش رو پایین نگه می‌دارد (هرچقدر علم فرد زیاد باشد فروتن می‌شود). ایل دو بنده سائفر بنشادی: زیر سایه یک درخت هزار نفر می‌نشینند (مفید بودن فرد برای جامعه).
انگیزشی (سبک استعاری)	چیچیه کارد، باندون کاند: چکار کردی کوه‌ها رو کندی؟ (کنایه از زود خسته شدن بعضی افراد). ایل سوکع هاندین روژ نیب: با خواندن یک خروس شب به روز تبدیل نمی‌شه (اشاره به تلاش و تدبیر زیاد برای رسیدن به کاری).
انسان‌شناسی (سبک استعاری)	هشی اشتان بش ور بئی: خورشید از جایی که طلوع می‌کنه می‌شناسه. نباید گذشته را فراموش کنی. سپ دووم بیروش پس نیب: دم سگ رو ببری گوسفند همیشه (ماهیت و جوهره انسان هیچ‌وقت تغییر نمی‌کند).
آموزشی (سبک استعاری)	اووکی اودم ببا بوع اوویزین بووت: آبی که آدمی را با خودش ببرد، به آن سیلاب می‌گویند (از کسی که با تو دشمنی کرد حذر کن! دشمن کوچک و بزرگ ندارد).
اخلاقی (سبک استعاری)	اوتش هارچخده تند ببو اشدان پوینی بسوت: آتش هرچقدر تند باشد، زیر پای خودش را می‌سوزاند (هرچه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی). دل دلش ببیو الجیش چروی سندا مو نبو شوتش چروی: قلبی که عاشق قلبی شد خواستگار نمی‌خواد؛ سری که مو ندارد، شونه نمی‌خواد (اشاره به عدم دخالت در کار دیگران).
آموزشی (سبک استعاری)	اوویز سفت کاندکولع ببا: سیلاب اول کنده‌های کنده‌شده رو می‌بره (اشاره به بی‌ریشه و بی‌بنیه بودن انسان‌های سست دارد که با هر محرک بیرونی از بین می‌روند).
اخلاقی (سبک استعاری)	یولع نبو یول دو بنده بنشیش: اگر بزرگی نداشته باشی، زیر درخت بزرگ بشین (همیشه و در همه حال باید از تجربیات بزرگان دانش اندوخت).
انسان‌شناسی (سبک استعاری)	سی ب پیوزن دوست نی: سیر با پیاز دوست نمی‌شه (جدل سیر و پیاز و تره را می‌بینی). اشاره به دوستی‌های نامناسب. هشک وز ب هشک دیوو دتینچکی: گردوی خشک به دیوار خشک نمی‌چسبه (تهمت به آدم پاک نمی‌چسبه).
اخلاقی (سبک استعاری)	مکاشت بلو، مئو بلو: بلا نکار تا بلا هم کشت نکنی (هر چه کنی همان است که بینی). ندز س چرو بدوژنم: سری که درد نمی‌کنه، چرا به دردش بیارم (به کاری که به من مربوط نیست، نباید دخالت کنم).
انسان‌شناسی	اوو ببی ژبو بشو آکارد او فویدش نی: اگر آب از زیر بجوشد، ماندگاری دارد. آبی که از بالا ریخته

کارکرد ضرب المثل‌های تالشی (گوش میناآبادی استان اردبیل).....

(سبک استعاری)	شود فایده ندارد (معرفت انسان باید ذاتی باشد).
آموزشی (سبک استعاری)	دیوو ایل برژاند ایل بیی خاندی بکی: یکی از دیوارها رو خراب کردی، یکی رو باید نگه داری (نباید تمام پل‌های پشت سر را خراب کنید).
اخلاقی (سبک استعاری)	دو میو بیو س بیژ بگات: درختی که میوه دارد، سرش پایین است (اشاره به فروتنی انسان دارد). ب دیو سخنان ب دنیو اوخو بیه شی اما نیب اوگارد: با سخن دروغ تا آخر جهان می شه رفت اما نمی شه برگشت (دروغ‌گویی خوب نیست).

۲-۴. ابزارهای آموزشی دانش زبانی

مثل‌ها آینه‌ای تمام‌نما از فرهنگ‌ها و بخشی از زبان و ادبیات عامه آن جامعه هستند که واقعیت و تجربیات را به صورت کلی در قالب جمله بیان می‌کنند. مثل‌ها متبلورکننده باورها و ارزش‌ها و اندیشه‌های هر جامعه می‌باشند، لذا با مطالعه مثل‌های هر قوم و جامعه می‌توان به باورها و سنت‌ها و ارزش‌ها و دیدگاه‌های آن جامعه پی برد (شعبانی و صراحتی، ۱۳۹۵: ۵۸). ضرب‌المثل‌های میناآبادی به صورت جزء و ضرب‌المثل‌های تالشی به صورت کل (عام) متشکل از جمله، سبک‌های زبانی و واژگان می‌باشند که این کارکردها مبتنی بر ارجاعات مشترک و کدگذاری‌هایی است که به مانند یک کارکرد فرازبانی عمل می‌کنند. باید گفته شود که زبان تالشی میناآبادی از طریق فرآیند اجتماعی شدن، از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است. باید گفت که یکی از علت‌هایی که این زبان در خطر انقراض قرار گرفته است، قطع زنجیره انتقال نسلی می‌باشد؛ درواقع، ضرب‌المثل‌ها مانند لوح تصویری محفوظ و ضبط شده از نسل گذشته برای نسل آینده به ارمغان گذاشته شده است تا با این ابزار و رسانه، بی‌آن که تجربه‌ای داشته باشند تجربه کنند. به عنوان نمونه، در ضرب‌المثل «سپیی دیوو هار رانگی بگات»: (دیوار سفید هر رنگی بر می‌دارد، به یکی از اصول آموزشی و یادگیری «جان لاک» اشاره شده است. در این اصول، جان لاک فیلسوف انگلیسی و تجربه‌گرای قرن ۱۸ بر این نظر بود که انسان در بدو تولد، لوح سفید نانوخته یا تابلویی است که آماده و پذیرای تأثیر و تأثرات عالم بیرونی است.

جمله

ضرب‌المثل‌های تالشی می‌توانند جملات کوتاه یا بلند باشند. این جملات می‌توانند ابزاری و رسانه‌ای آموزشی و اخلاقی و غیره باشند. این جملات می‌توانند خیلی کوتاه یا خیلی بلند، یا جملات ناقص، جملات کامل، ساده یا مرکب باشند. در این تحقیق

جملات مرکب و جملات کوتاه مشاهده شده است. این جملات به مانند یک رسانه شفاهی و مکتوب، سعی در آموزش و نتیجه‌گیری و تجربه‌دهی به افراد دارند. «تام اژنگو بتارسیش» از کسی که ساکت باید ترسید (از آن ترس که های و هو دارد، از آن بترس که سر به تو دارد؛ به این معنی که: کسانی که در ظاهر شلوغ و پر شروشور هستند، همه چیز خود را عیان می‌کنند اما کسانی که ساکت و بی‌صدا و ظاهراً بی‌آزار هستند، چه بسا خطرناک‌اند). در این جمله، ترکیب واژگان در ساخت جمله را نشان می‌دهد؛ جمله‌ای کوتاه اما با معنی.

واژگان

ضرب‌المثل‌ها عبارت‌های زبانی هستند که از ترکیب واژگان متصل به هم تشکیل شده‌اند که معنای کاملی را ارائه می‌دهند؛ بنابراین زمانی که کودکی ضرب‌المثلی را می‌آموزد، فرهنگ آن زبان را به صورت هشیار و ناهشیار فرا می‌گیرد. در زبان تالشی ضرب‌المثل‌ها باعث افزایش دایره لغات کودکان و افراد استفاده‌کننده از این زبان می‌شوند.

سبک‌های زبانی (figurative)

در ضرب‌المثل‌های تالشی سبک‌های زبانی وجود دارد که کودکان و بزرگ‌سالانی که این ضرب‌المثل‌ها را می‌آموزند، به صورت ناآگاهانه در مورد سبک‌های گوناگون زبانی نیز اطلاعاتی را به دست می‌آورند. در زبان تالشی از سبک‌های استعاره‌ای، پارادوکس، تشبیه و غیره استفاده می‌شود. مثلاً در این ضرب‌المثل «کول سِف کول گپ تَکین» (سیب کال مثل حرف نیخته است) همان‌طور که مشاهده می‌شود، از استعاره استفاده شده است. در کل باید گفت که ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان رسانه و ابزار آموزشی زبان به‌عنوان یک ابزار ارتباطی، عملکرد کودکان را در سخن گفتن به‌وسیله تمرین دادن نیرومند می‌کند. وجود این کارکرد می‌تواند در شکل‌های استفاده شده در یک تابع دیده شود. این کارکرد با تأکید بر ارجاعات مشترک پیام‌ها، بر عملکرد افراد تأثیر می‌گذارد. با استفاده از ضرب‌المثل، کودک یاد می‌گیرد در کدام موقعیت کدام تابعی از جملات و ضرب‌المثل را استفاده کند.

۳-۴. کارکردهای مختلف ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها ابزاری جهت نهادینه کردن ارزش خردمندی

کارکرد ضرب المثل‌های تالشی (گوش میناآبادی استان اردبیل).....

ضرب‌المثل‌های تالشی می‌توانند به‌عنوان ابزاری جهت القای ارزش‌های مثبت اخلاقی در افراد و مخصوصاً کودکان، استفاده شوند. این ابزار بر اخلاق و خردمندی تأکید دارد. نمونه‌ای از این نوع ضرب‌المثل «ای لحظه حوصله صا سولع خرج» یک لحظه حوصله کردن خرج صد سال است، می‌باشد. ارزش‌هایی در ضرب‌المثل‌های تالشی وجود دارد که در آن به افراد احترام گذاشتن به دیگران آموزش داده می‌شود. همچنین ضرب‌المثل‌هایی در مورد ارزش به خود و ارزش به تلاش و کار نیز مشاهده می‌شود، مانند «دو میو و بیو س ساروی بگات» (هرچقدر میوه درخت زیاد باشد، سرش رو پایین نگه می‌داره؛ به این معنی که هرچقدر علم فرد زیاد باشد، فروتن می‌شود). در این ضرب‌المثل بر اصول خردمندی که با خود فروتنی به همراه می‌آورد، تأکید شده است.

ضرب‌المثل‌ها ابزاری جهت بهبود عملکرد زبانی در کودکان

باید اشاره کرد که ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان یک ابزار یا رسانه جهت بهبود عملکرد کودکان در گفتگوهای محاوره‌ای نقش بسیار ارزنده‌ای را بازی می‌کنند (مانسیور و سوهرم، ۲۰۲۰). وجود چنین کارکردی را در هنگام استفاده از توابع ضرب‌المثل‌ها می‌توان مشاهده کرد. این کارکردها بر پیام‌رسانی و ارجاعات مشترک تأکید دارد. به گفته مانسیور و سوهرم (۲۰۲۰) به‌وسیله ضرب‌المثل‌ها کودکان یاد می‌گیرند که توابع جملات را در چه موقعیت‌های به کار ببرند؛ به‌عبارت‌دیگر، در ضرب‌المثل‌های تالشی کودکان یاد می‌گیرند که توابع زمانی و مکانی جملات چگونه است و حتی از نحوه بیان غیر مستقیم نیز آگاهی پیدا می‌کنند.

ضرب‌المثل‌ها ابزاری جهت کنترل رفتار (اخلاق و انگیزه)

ضرب‌المثل‌های تالشی همچنین دارای کارکرد کنترل رفتارها و انطباق رفتارها با هنجارهای غالب جامعه می‌باشند. وجود چنین کارکردی بر این تأکید دارد که سخنوران استفاده‌کننده از این ضرب‌المثل‌ها، رفتارشان را در گفتگو با دیگران چگونه کنترل کنند. این کارکردها را جاکسوبن کارکرد «کوشش نما» نامیده است. در برقراری ارتباط با دیگران و برای منتقل کردن پیام‌ها در مخاطب این اهمیت دارد که احساس راحتی و درک آسان را فراهم کند.

1 - Conative function

«اوتش هارچخده تند ببو اشدان پوبنی بسوت» آتش هرچقدر تند باشد، زیر پای خودش را می‌سوزاند. با اندکی توجه به این ضرب‌المثل، بر نحوه تأکید آن در کنترل رفتار شنونده و گوینده پی می‌بریم.

ضرب‌المثل ابزاری برای انسان‌شناسی

ضرب‌المثل‌ها همچنین می‌توانند ابزاری برای شناخت انسان‌ها و پی بردن به ماهیت انسان‌ها باشند. انسان‌شناسی در واقع، شناخت دقیق و جامع چستی و هویت انسان است. به عنوان نمونه، ضرب‌المثل «اوو پپی ژبو بشو» (آب باید از زیر بجوشد) به بحث ماهیت شناسی و باطن‌شناسی ماهیت افراد اشاره شده است.

۵- نتیجه‌گیری

ادبیات هر قومی شامل شعر، قصه، فولکلور (افسانه، ضرب‌المثل، کنایه و غیره) می‌باشد. چنانچه اشاره شد، برای شناخت یک ملت می‌توان ادبیات شفاهی آنان را مطالعه کرد که بیشتر در ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها نمود پیدا می‌کند و نوع نگرش آن‌ها نسبت به نظام خلقت، طبیعت، روابط اجتماعی، معیشت و همزیستی با نزدیکان را نشان می‌دهد. ضرب‌المثل‌ها نشانگر رفتارهای بهنجار، نابهنجار، ارزش‌ها و ضد ارزش‌های اجتماعی‌اند که مردم آن‌ها را پذیرفته یا رد کرده‌اند. ضرب‌المثل‌ها دارای کارکردهای گوناگون هستند، از جمله به دلیل ماندگاری شکل نحوی و صرفی، بسیاری از واژگان و بافت‌های زبانی را حفظ می‌کنند و این ویژگی موجب کمک به پژوهشگران در زمینه مطالعات گویش‌شناسی و زبان‌شناسی تاریخی می‌شود. همچنین، ضرب‌المثل‌ها دارای کارکرد آموزشی و انتقال تجربیات گذشتگان هستند و موجب تجربه‌گرایی جانشینی می‌شوند. در این تحقیق مشخص شد که ضرب‌المثل‌های تالشی میناآباد می‌توانند به‌عنوان ابزار و رسانه آموزشی، نقش بااهمیتی در زبان‌تالشی برای مادران تالش زبان‌بازی کنند، از جمله:

۱- می‌توان از ضرب‌المثل‌های تالشی به‌عنوان ابزاری جهت انتقال تجربیات آموزشی استفاده کرد، زیرا ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان یک لوح یا رسانه محفوظ از اجداد و گذشتگان به ارث رسیده است که توانایی آموزش به سخنوران خود در هر موقعیت زمانی را دارند.

۲- ضرب‌المثل‌های تالشی به‌عنوان ابزاری جهت بالندگی و بهبود توانایی سخنوری

کارکرد ضرب المثل‌های تالشی (گوش میناآبادی استان اردبیل).....

افراد جوان به کار می‌روند؛ به این معنی که زمینه تمرین و آموزش سخنوری را برای سخنوران خود فراهم می‌کنند.

۳- ضرب‌المثل‌های تالشی ارزش‌های جامعه و محلی را از طریق القای خردمندی در فرد پرورش می‌دهند؛ به این دلیل که اکثر مثل‌ها خردمندی و استفاده از عقل و دانایی را تشویق می‌کنند.

۴- ضرب‌المثل‌های تالشی ابزاری مناسب برای آموزش کنترل رفتاری می‌باشند. برخی از ضرب‌المثل‌های نحوه کنترل رفتار و نحوه برخورد با افراد را نشان می‌دهند.

۵- از همه مهم‌تر، ضرب‌المثل‌های تالشی میناآبادی اصول زندگی، انسان‌شناسی، انگیزشی و نحوه پیروی از قواعد و اصول را از طریق غیر مستقیم و مستقیم آموزش می‌دهند.

منابع

- خان‌بازاده، افشین؛ مولائی، چنگیز؛ جلالیان، محمدحسن (۱۳۹۸). بررسی ادبیات شفاهی گویش تالشی شمالی در منطقه عنبران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۱). «کاربرد ضرب‌المثل در شعر شاعران ایرانی»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، ۱۳۹۱، سال ۶ دوره ۱، صص ۱۲۲-۹۵.
- روشن، بلقیس؛ یوسفی راد، فاطمه؛ شعبانیان، فاطمه (۱۳۹۲). «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان»، زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، شماره ۲، صص ۹۴-۷۵.
- شعبانی، منصور؛ صراحتی، محمد امین (۱۳۹۵). «بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی (گونه اشکورات)»، فرهنگ و ادبیات عامه، ۱۳۹۵، شماره ۴ دوره ۱۱، صص ۵۷-۷۸.
- شعبانی میناآباد، ملاحظ (۱۳۹۹). «رابطه بین جنسیت و وجود انواع ادب و خشونت کلامی در ضرب‌المثل‌های زبان تالشی (گویش میناآبادی استان اردبیل)»، فرهنگ و ادبیات عامه. ۱۳۹۹؛ سال ۳۶ دوره ۶، ۱۲۹-۱۵۷.
- شیخ سنگ تجن، شهین (۱۳۹۶). «بررسی طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های گویش تالشی در چارچوب معنی‌شناسی شناختی»، زبان‌شناخت، ۱۳۹۶، سال ۸ دوره ۱۶، صص ۱۰۳-۱۱۳.
- صراطی، ژیلا (۱۳۸۷). تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر ساختار اجتماعی، فرهنگی جامعه (با تکیه بر کتب نظم و نثر فارسی)، همایش ملی پژوهش‌های نوین در زبان و ادبیات فارسی، ورامین: <https://civilica.com/doc/52417>
- عبدلی، علی (۱۳۶۹). تالشی‌ها کیستند، تهران: ققنوس.
- معدنی، سعید؛ عابدینی، مهدی (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی فرهنگی کاربران محبوب شبکه اجتماعی فیس‌بوک به روش نظریه زمینه‌ای»، فصلنامه علمی مطالعات میان‌فرهنگی، ۱۳۹۴، سال ۱۰ دوره ۲۵، ۷۵-۴۹.
- Rahman, F. (2017). The revival of local fairy tales for children education. *Theor and Practice in Language Studies*, 7(5), 336-344.
- Kamali Anbaran, Roya. Investigation of Phonological processes

Northern dialect of Talysh language (Anbarani species). Persian language and dialects, 2017; 2 (1): 185-197. doi: 10.22124 / plid.2017.2481

KBBI. Pusat Bahasa (Edisi Keempat). 2005, Jakarta: PT Gramedia Pustaka Utama.

Sheikh Sang Tajan, S. A Study of Imaginary Schemas in the Proverbs of Talysh Dialects in the Framework of Cognitive Semantics. Linguistics, 2017, 8 (16), 103-113.

Mansyur, F. A., & Suherman, L. A. The Function of Proverbs as Educational Media: Anthropological Linguistics on Wolio Proverbs. ELS Journal on Interdisciplinary Studies in Humanities, 2020, 3(2), 271-286. <https://doi.org/10.34050/els-jish.v3i2.10505>

Arewa, E. O. & Dundes, A. Proverb and Ethnography of Speaking Folklore. American Anthropologist, New Series. 1964, 66 (6): 70-8

Danesi, M. A Basic Course In Anthropological Linguistics. 2004, Toronto: Canadian Scholars' Press Inc.

Foley, W. A. Anthropological Linguistics 2001. An Introduction. Oxford: Blackwell.

Bergsma, H. M. Tiv Proverb as A Means of Social Control. Journal of The International African Institute 1970, 40 (2): 151-163.

Shabani MM. The Relationship between Gender and the Existence of Literature and Verbal Violence in Ta. 2020, 8 (36): 129-157

11- Ebrahimi Nia, A. Proverbial teaching method Introducing a new teaching method. The first national conference of Ayandeh School, Mohaghegh Ardabili University, 2020.

Homan, HA. A practical guide to qualitative research. Tehran: samt, 2018

Corbin, J., & Strauss, A. Basics of Qualitative Research Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory (4th ed.). 2015, Thousand Oaks: CA: Sage

Shabani, N. A brief look at the proverbs and allusions of Talysh, National Conference on Talysh, 2018, Rasht, <https://civilica.com/doc/4011>